



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 31. No 1. Spring 2024

Received date: 2024.02.04

Acceptance date: 2024.05.11



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.1.5.5

China's Approach Towards Iran and Saudi Arabia with a Focus on Detente Policy

Seyed Reza Hashemi Jebeli¹, Jabbar Shojaei²



Abstract

China pursues its economic, cultural, and political opportunities with a multidimensional approach in West Asia as one of the centers of power and wealth. China's effective presence in West Asia has created a new balance of power against Western countries' interventions in regional relations. This research aims to compare and examine China's relations and interactions with Iran and Saudi Arabia in two macroeconomic-commercial and security-political fields, and it raises the question of what approach China should adopt towards Iran and Saudi Arabia in view of these relations. To answer this question, China's interests and relations in the two mentioned fields and with Iran and Saudi Arabia were examined. The proposed hypothesis is that China's economic, military and political interests in West Asia have caused China to take a mediating approach and detente policy in relations between Iran and Saudi Arabia as two key actors in the region. The results of this study suggest that although the regional geopolitical competition between Iran and Saudi Arabia complicated things for China at times, this country succeeded in de-escalating tensions in its approach to regional developments, especially the competition between Iran and Saudi Arabia. The present paper is a descriptive analysis using the documentary and library resources.

Keywords: China, Middle East, West Asia, Iran, Saudi Arabia, Detente.

1 - Master's student in International Relations, Faculty of Islamic Studies and Political Science, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

2 - Faculty of Political Sociology, Islamic Studies and Political Sciences, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۱، پیاپی (۱۱۵)، بهار ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۱.۵.۵

نوع مقاله: پژوهشی

رویکرد چین در قبال ایران و عربستان با تمرکز بر سیاست تنش‌زدایی

سیدرضا هاشمی جبلی^۱، جبار شجاعی^۲



چکیده

چین فرصت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود را با رویکردی چند بعدی در منطقه غرب آسیا به‌عنوان یکی از کانون‌های قدرت و ثروت پیگیری می‌کند. حضور مؤثر چین در غرب آسیا، موازنه جدیدی از قدرت را در مقابل مداخلات کشورهای غربی در مناسبات منطقه‌ای شکل داده است. این پژوهش قصد دارد روابط و تعاملات چین در قبال ایران و عربستان در دو حوزه کلان اقتصادی-تجاری و امنیتی-سیاسی را مورد تطبیق و بررسی قرار دهد و این پرسش را مطرح می‌کند که با توجه به این روابط، چین چه رویکردی را در قبال ایران و عربستان اتخاذ نموده است؟ در جهت پاسخ به این پرسش، منافع و روابط چین در دو حوزه مذکور و در قبال ایران و عربستان مورد بررسی قرار گرفت. فرضیه مقاله این است که منافع اقتصادی، نظامی و سیاسی چین در غرب آسیا موجب در پیش گرفتن رویکردی میانجیگرانه و سیاست تنش‌زدایی از سوی چین در روابط ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر کلیدی در منطقه گردیده است. یافته‌ها نشان داد که اگرچه رقابت ژئوپلیتیکی منطقه‌ای بین ایران و عربستان در برهه‌ای کار را برای چین پیچیده می‌کرد، اما این کشور موفق گردیده در رویکرد خود نسبت به تحولات منطقه، به‌ویژه رقابت ایران و عربستان، تنش‌زدایی را در پیش گیرد و توازن برقرار سازد. در پژوهش پیش رو با تکیه بر روش تحلیل کیفی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای، به بررسی رویکرد چین در قبال ایران و عربستان پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: چین، خاورمیانه، غرب آسیا، ایران، عربستان، تنش‌زدایی.

۱ - (نویسنده مسئول) دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
srezahashemij@isu.ac.ir

۲ - هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
pserat14@gmail.com

مقدمه

تحولات خاورمیانه به طور عام و منطقه غرب آسیا به شکل خاص، بدون تردید یکی از مهم‌ترین دگرگونی‌هایی است که در سال‌های اخیر در سیاست بین‌الملل اتفاق افتاده است. اهمیت این تحولات از آن جهت می‌باشد که می‌توان گفت موجب بازتعریف سیاست خارجی بسیاری از کشورها و به‌ویژه قدرت‌های بزرگ در قبال این منطقه گردیده است. در میان این کشورها موضع چین در قبال تحولات این منطقه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که نقش و جایگاه این کشور در صحنه سیاست بین‌الملل و به تبع آن منطقه غرب آسیا در سال‌های اخیر، به شکل چشمگیر ارتقا یافته است (جعفری ولدانی و رحمتی‌پور، ۱۳۹۳: ۱۶۵).

چین مهم‌ترین قدرت در حال ظهور جهان است. ظرفیت و قدرت چین در برخی زمینه‌ها همچون اقتصاد، بسیار فراتر از ظرفیت‌های هند، برزیل، آفریقای جنوبی و حتی قدرت‌های بزرگی مانند روسیه، بریتانیا، آلمان و فرانسه است. با بسیاری از معیارها، چین اکنون پس از ایالات متحده آمریکا دومین قدرت پیشرو بلا منازع جهان است. چین بسیاری از ویژگی‌های یک قدرت جهانی را در اختیار دارد: بزرگ‌ترین جمعیت جهان، توده خشکی بزرگ قاره‌ای، دومین اقتصاد بزرگ جهان، بزرگ‌ترین ذخایر ارزی جهان، دومین بودجه نظامی جهان، بزرگ‌ترین نیروهای مسلح، بزرگ‌ترین شبکه بزرگراه ملی جهان و بهترین سیستم ریلی پرسرعت جهان همگی بخشی از قدرت چین به حساب می‌آیند. چین بزرگ‌ترین کشور تجاری جهان، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی در جهان، بزرگ‌ترین تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای در جهان، دومین دریافت‌کننده بزرگ و سومین مبتکر بزرگ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان و بزرگ‌ترین تولیدکننده بسیاری از کالاها در جهان می‌باشد (Wang & Chen, 2023).

چین در رقابت با ایالات متحده آمریکا و در راستای حفظ و افزایش قدرت خود در نظم نوین جهانی، نیازمند حضور در مناطق مختلف جهان است. یکی از مهم‌ترین مناطقی که منابع اقتصادی سرشاری را در اختیار این کشور قرار می‌دهد، غرب آسیا است. این منطقه با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و ایفای نقش پل ارتباطی میان آسیای میانه، اروپا و آفریقا جایگاه قابل توجهی در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ دارد. در همین خصوص و از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از بازیگران اصلی این منطقه به شمار می‌روند، چین در قبال این دو کشور نیز راهبرد مشخص خود را دارد (Wu, 2021: 450).

نگارنده معتقد است چین در راستای منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود در غرب آسیا، روابط خود با ایران و عربستان را بر اساس سیاست تنش‌زدایی تنظیم کرده و به دنبال توازن در این روابط است تا بتواند منافع خود را تأمین نماید. اگرچه رقابت ژئوپلیتیکی منطقه‌ای بین جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در برهه‌ای کار را برای چین پیچیده می‌کرد، اما این کشور موفق گردیده در رویکرد خود نسبت به تحولات منطقه، به‌ویژه رقابت دو کشور، تنش‌زدایی را در پیش گیرد و توازن برقرار سازد. پژوهش حاضر با تکیه بر روش تحلیل کیفی ساماندهی گردیده است. همچنین، از اسناد و منابع کتابخانه‌ای برای بررسی رویکرد چین در قبال ایران و عربستان بهره گرفته شده است.

پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه تحقیق باید عنوان کرد که با توجه به عنوان مقاله حاضر، پژوهش‌هایی در این زمینه نگاشته شده که در ادامه چند نمونه بررسی می‌شود. نوآوری پژوهش حاضر نیز آن است که با نگاهی تطبیقی، رویکرد چین را به‌عنوان یکی از بازیگران مهم نظم در حال تغییر جهانی، در قبال دو بازیگر مهم غرب آسیا، یعنی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در دو حوزه کلان اقتصادی-تجاری و امنیتی-سیاسی مورد واکاوی و مقایسه قرار داده و در این تطبیق بر سیاست تنش‌زدایی چین تمرکز نموده است. در ذیل به چند اثر پژوهشی به صورت مختصر اشاره می‌گردد.

در مقاله‌ای (۲۰۲۲) با عنوان «رویکرد چین در قبال رقابت ایران و عربستان» محمد وسیم ملا، به طور انتقادی رویکرد چین به منطقه غرب آسیا به طور کلی و محور ایران و عربستان سعودی به طور خاص را بررسی می‌کند که این از نقاط مثبت مقاله محسوب می‌شود. اما نویسنده اشاره‌ای به سیاست تنش‌زدایی چین در این خصوص نداشته و حتی احتمال می‌دهد واقعیت‌های ژئوپلیتیکی در حال تغییر، مانع از رویکرد متعادل چین در قبال ایران و عربستان بشود.

در مقاله‌ای (۱۴۰۲) با عنوان «سیاست خارجی چین در منطقه خاورمیانه، با تمرکز بر دو کشور ایران و عربستان» مریم حیدری تلاش می‌کند تا به صورت کلی به بررسی مؤلفه‌های سیاست خارجی کشور چین در منطقه خاورمیانه با نگاهی بر سیاست خارجی این کشور در قبال ایران و عربستان بپردازد. این پژوهش اگرچه سعی نموده تا به صورت کلی به این سؤال پاسخ دهد که سیاست خارجی چین در برابر

ایران و عربستان چگونه تنظیم می‌شود، اما رویکرد چین در قبال این دو کشور را با نگاهی تطبیقی و به صورت خاص مورد مقایسه قرار نداده است.

در مقاله‌ای (۱۴۰۱) با عنوان «دیپلماسی اقتصادی و راهبرد چین در تنظیم روابط با ایران و عربستان سعودی» محمد جمشیدی و زکیه یزدان‌شناس، تلاش کرده‌اند تا به اختصار با تبیین راهبرد چین در خاورمیانه و با برشمردن منافع چین در رابطه با ایران و عربستان، سیاست خارجی این کشور در منطقه خلیج فارس را بر پایه دیپلماسی اقتصادی توضیح دهند. این مقاله استدلال می‌کند پکن با توسل به راهبرد مصون‌سازی استراتژیک سعی می‌کند از ورود به دوگانه‌های ژئوپلیتیکی اجتناب کرده و منافع راهبردی خود را با پیگیری روابط حسنه با دو قدرت بزرگ منطقه، یعنی ایران و عربستان تضمین کند که این از نقاط قوت مقاله می‌باشد. اما مقاله مذکور اشاره‌ای به سیاست تنش‌زدایی و رویکرد سیاسی چین در قبال ایران و عربستان ندارد.

در مقاله‌ای (۱۳۹۰) با عنوان «موانع و فرصت‌های گسترش نقش چین در خاورمیانه» سید جلال دهقانی فیروزآبادی و مهدی فرازی با اشاره به موضوع قدرت‌های در حال ظهور در نظم نوین جهانی، چین را یکی از آن قدرت‌ها برشمرده که در سال‌های گذشته در کانون این حوزه قرار گرفته است. این مقاله اگرچه بیان می‌کند که خیزش چین در نظام بین‌الملل سبب شده تا این کشور برای افزایش منافع ملی به گسترش نقش خود در مناطق مختلف از جمله خاورمیانه بپردازد، اما رویکرد مبتنی بر سیاست تنش‌زدایی این کشور در قبال بازیگران اصلی منطقه را مورد واکاوی قرار نمی‌دهد.

در مقاله‌ای (۲۰۱۷) با عنوان «چین و حکمرانی امنیتی خاورمیانه در عصر جدید» دگانگ سان^۱، نحوه مشارکت چین در حکمرانی امنیتی غرب آسیا را در سه حوزه منازعات سیاسی، امنیتی و اجتماعی دسته‌بندی می‌کند. وی سبک‌های حکمرانی امنیتی چین و غرب در غرب آسیا را متفاوت دانسته و می‌گوید چینی‌ها بیشترین تأکید را بر بهبود رفاه مردم منطقه دارند. سان این موضوع را به‌عنوان اولویت اصلی در دستور کار قرار داده که این نکته از نقاط قوت مقاله وی می‌باشد. اما نویسنده اشاره مستقیمی به سیاست تنش‌زدایی چین در منطقه غرب آسیا و رویکرد این کشور در قبال ایران و عربستان به‌عنوان بازیگران کلیدی این منطقه ندارد.

در مقاله‌ای (۲۰۲۱) با عنوان «چین و خاورمیانه جدید» بینگ بینگ وو^۱، به یک خاورمیانه جدید اشاره می‌کند که در نتیجه رقابت‌های ژئواستراتژیک بین بازیگران کلیدی منطقه، در حال ظهور است. وی معتقد است بازیگران اصلی حاضر در منطقه همچون چین، نقش فزاینده‌ای در رقابت‌های ژئواستراتژیک در کشورهای همچون سوریه، عراق، یمن، لبنان و لیبی ایفا می‌کنند. وی معتقد است چین منافع مهمی در منطقه غرب آسیا دارد و می‌گوید عناصر کلیدی سیاست این کشور در حال شکل‌گیری است. بینگ بینگ وو ساز و کارهای همکاری ایجاد شده و شبکه‌ای از مشارکت با برخی از کشورهای منطقه را از مهم‌ترین سیاست‌های چین در قبال غرب آسیا برشمرده و ابتکار کمربند-راه را همچنان چارچوبی کلیدی برای همکاری چین با منطقه می‌داند. اما وی نیز اشاره خاصی به رویکرد میانجی‌گری چین و سیاست تنش‌زدایی این کشور در قبال ایران و عربستان ندارد.

چارچوب مفهومی-نظری

۱. مفاهیم اصلی

۱.۱. تنش‌زدایی

تنش‌زدایی، یک کلمه فرانسوی به معنای آرامش، در سیاست به معنای فرایند مدیریت روابط با یک کشور بالقوه متخاصم به منظور حفظ صلح و در عین حال حفظ منافع حیاتی است. تنش‌زدایی به معنای واقعی کلمه چیزی بیشتر از آرام کردن تنش است (Brands, H. W., 1998). در عمل، تنش-زدایی یک سیاست فعال مبتنی بر واقعیت‌های سخت بوده است. هدف آن نیز کاهش موقت تنش‌های بین‌المللی نیست، بلکه هدف اصلی ایجاد منافع متقابل در حفظ صلح می‌باشد، اینجا است که معنای تنش‌زدایی به دیپلماسی نزدیک می‌شود (White, B., 1981). روابط بین‌الملل معاصر ترکیبی از فرایندهای مختلف مانند منطقه‌گرایی، عدم تعهد، تنش‌زدایی و غیره است. با این حال، تنش‌زدایی به عامل کلیدی ثبات بین‌المللی در عصر سلاح‌های هسته‌ای تبدیل شده است (Sonnenfeldt, H., 1975: 5).

۲.۱. اقتصاد سیاسی

اقتصاد سیاسی شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که به مطالعه رابطه‌ای می‌پردازد که بین جمعیت یک ملت و حکومت آن، هنگام اعمال سیاست عمومی شکل می‌گیرد. بنابراین، اقتصاد سیاسی نتیجه تعامل

بین سیاست و اقتصاد و اساس رشته علوم اجتماعی است (Teti et al, 2017). مطالعه اقتصاددان‌های سیاسی به طور کلی شامل بررسی از طریق یک لنز جامعه‌شناختی، سیاسی و اقتصادی است که چگونه سیاست عمومی، وضعیت سیاسی و نهادهای سیاسی بر جایگاه و آینده اقتصادی یک کشور تأثیر می‌گذارد. آدام اسمیت، جان استوارت میل و ژان ژاک روسو همگی از این اصطلاح برای توصیف نظریه‌های خود استفاده کرده‌اند (Pettigrew, W. A., 2019).

۳.۱. نظم نوین جهانی

اصطلاح نظم نوین جهانی به دوره جدیدی از تاریخ اشاره دارد که نشان‌دهنده تغییرات شگرف در اندیشه سیاسی جهان و موازنه قدرت در روابط بین‌الملل است. علی‌رغم تفاسیر گوناگون از این اصطلاح، این واژه عمدتاً در کنار مفهوم حکمرانی جهانی به معنای تلاش‌های جمعی جدید برای شناسایی، درک یا پرداختن به مشکلات جهانی به کار می‌رود که فراتر از ظرفیت تک تک دولت-ملت‌ها برای حل است (Drezner, D. W., 2007).

۴.۱. سیاست خارجی

سیاست خارجی به معنی دنبال کردن منافع کشور در سطوح بین‌المللی و در رابطه با جوامع، دولت‌ها و کشورهای دیگر است. به بیان دیگر، سیاست خارجی یکسری اهداف کلی است که فعالیت‌ها و روابط یک دولت را در تعامل با دولت‌های دیگر هدایت می‌کند (Knecht & Weatherford, 2006). توسعه سیاست خارجی تحت تأثیر ملاحظات داخلی، سیاست‌ها یا رفتار سایر دولت‌ها و یا برنامه‌هایی برای پیشبرد طرح‌های ژئوپلیتیکی خاص می‌باشد. دیپلماسی نیز ابزار سیاست خارجی بوده و جنگ، اتحاد و تجارت بین‌المللی همگی ممکن است جلوه‌های آن باشند (Lampton, D. M., 2014). با توجه به مباحث مذکور، می‌توان گفت که رویکرد میانجیگرانه چین در منطقه غرب آسیا موجب کاهش چالش‌های امنیتی و در پیش گرفتن سیاست تنش‌زدایی در روابط ایران و عربستان شده است؛ هدف از آن نیز برقراری صلح و ثبات در منطقه در راستای منافع چین، خصوصاً منافع اقتصادی و سیاسی این کشور بوده است.

۲. مبانی نظری

اگر چه موضوع پژوهش پیش رو را می‌توان در قالب نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل از جمله نظریه واقع‌گرایی مورد واکاوی قرار داد، اما نظریه بین‌حکومت‌گرایی لیبرال^۱، به دلیل مفروضه‌ها و اصولی که در آن نهفته است، بهتر از دیگر نظریه‌ها می‌تواند به بررسی و تحلیل این موضوع کمک کند، زیرا این نظریه دولت‌ها را بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل به حساب می‌آورد و همگرایی بین کشورها را بر اساس سه مفهوم ترجیحات، چانه‌زنی و نهادها تبیین می‌کند. در خصوص چین نیز چنین نگرشی درست است زیرا این کشور با نگاهی واقع‌بینانه به دنبال برقراری روابط با کشورهای مختلف در راستای ترجیحات خود است.

نظریه بین‌حکومت‌گرایی لیبرال که برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط اندرو موراوچیک^۲ ارائه شد، دربرگیرنده مؤلفه‌های بسیاری از دیگر نظریه‌های همگرایی مانند نهادگرایی نئولیبرال، نوکارکردگرایی و بین‌حکومت‌گرایی سنتی می‌باشد که در زیر مهم‌ترین پیش‌فرض‌ها و ویژگی‌های این نظریه آمده است. به‌عنوان یک نظریه، بین‌حکومت‌گرایی لیبرال به دنبال تبیین سیر تکامل همگرایی منطقه‌ای می‌باشد؛ به عبارت دیگر، این نظریه به دنبال پیوند نظریه‌ها با هدف رسیدن به رهیافتی جامع در خصوص توضیح روند همگرایی در طول زمان است و فرایند همگرایی را تنها با یک عامل بررسی نمی‌کند. بین‌حکومت‌گرایی لیبرال به دنبال به‌روزرسانی نظریه همگرایی بر اساس نظریه عمومی علم سیاست می‌باشد. این نظریه در عین استفاده از نظریه‌ها و عوامل چندگانه، ساده است و در چند گزاره عمومی مرتبط با هم خلاصه می‌شود، به شکلی که به دنبال ساده‌سازی سیاست‌های نهادهای بین‌المللی می‌باشد (Moravcsik & Schimmelfennig, 2009: 68).

از نظر بین‌حکومت‌گرایی لیبرال، دولت‌ها بازیگران اصلی در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشند و در این خصوص، نهادهای بین‌المللی بر اساس رفتار دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی، عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، دولت‌ها به کمک مذاکره و چانه‌زنی با یکدیگر، برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کنند. همچنین بر اساس این نظریه، دولت‌ها به صورت عقلانی و بر اساس تحلیل هزینه-فایده اقدام می‌کنند؛ به این معنا که اقدام مشترکی که بیشترین سود را برای طرفین دارد، انتخاب می‌کنند (Moravcsik, 2009).

1 - Liberal Intergovernmentalism

2 - Andrew Moravcsik

480: 1993). این مسئله در خصوص چین صادق است و این کشور نیز در سیاست خارجی خود، بر اساس ترجیحاتی که دارد، به صورت یک بازیگر عقلانی عمل می‌کند.

پیشینه تاریخی

روابط بین چین و ایران، پیشینه‌ای به درازای تاریخ دارد و با توجه به پیوندهای تمدنی دو کشور، به صدها سال قبل برمی‌گردد. روابط دیرینه دو کشور حوزه‌های مختلفی همچون سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی را در بر گرفته است. تاریخچه روابط دو کشور به اولین تماس دو طرف در سال ۱۴۰ قبل از میلاد برمی‌گردد. اما روابط جدید دو کشور در دوران معاصر و در قرن گذشته با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. از سال ۱۹۵۲ روابط اقتصادی ایران و جمهوری خلق چین توسعه یافت و از سال ۱۹۷۲ روابط جدیدی بین تهران و پکن برقرار شد. در چهار دهه اخیر روابط پررنگ‌تر شده در روابط تجاری و اقتصادی، بسیاری از مقامات و رهبران ایرانی به چین سفر کرده‌اند. روابط تجاری ایران و چین در دهه گذشته نزدیک‌تر شده و در سال ۲۰۲۲ به ۱۵ میلیارد و ۸۳۰ میلیون دلار رسیده است. همچنین در سال گذشته یک قرارداد همکاری ۲۵ ساله نیز امضا شده و طی سال‌های گذشته نیز توافقاتی در زمینه تعمیق مشارکت‌های راهبردی جامع، تقویت مکانیسم‌های مالی و بانکی مشترک، توسعه و ارتقای روابط اقتصادی، فراهم کردن بستر اجرایی برای اجرای موافقتنامه راهبردی، اجرای برنامه همکاری جامع و افزایش همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف به امضا رسیده است. تجارت، کشاورزی، صنعت و انرژی‌های تجدیدپذیر، زیرساخت‌ها، مشارکت در تولید و افزایش کالاهای با کیفیت در ایران و توسعه تجارت الکترونیک نیز بخشی دیگر از موضوعات همکاری‌های دو جانبه ایران و چین بوده است (Ramezani, 2023: 8).

روابط بین چین و عربستان اما در مقایسه با روابط چین و ایران جدید است. عربستان سعودی، متحد نزدیک ایالات متحده، تا اوایل دهه ۱۹۹۰ جمهوری خلق چین را به رسمیت نمی‌شناخت، در عوض روابط نزدیک خود را با دولت جمهوری چین در تایپه حفظ کرد. درگیری پکن و ریاض در اواسط دهه ۱۹۸۰ آغاز شد. اولین ملاقات گزارش شده در سال ۱۹۸۵ در عمان برگزار شد، جایی که چین پیشنهاداتی را به عربستان ارائه کرد و توانست اعتماد سعودی‌ها را جلب کند. این مسئله در نهایت به عادی‌سازی و به رسمیت شناختن جمهوری خلق چین در جولای ۱۹۹۰ توسط ریاض منجر شد. در دوران معاصر نیز روابط دو کشور در زمینه‌های مختلف تا حدی تقویت شده که دو طرف اعلام کردند

روابط خود را در سال ۲۰۱۶ به بالاترین سطح مشارکت راهبردی جامع ارتقاء داده‌اند (Liu, 2016: 12).

رویکرد چین در قبال ایران

۱. رویکرد چین در قبال ایران در حوزه اقتصادی-تجاری

روابط بین چین و ایران به دوران باستان برمی‌گردد و پژوهشگران دو کشور اغلب به پیوندهای تمدنی روی می‌آورند تا اهمیت و دوام آن را نشان دهند. در دوران معاصر، فراوانی منابع انرژی همراه با موقعیت استراتژیک، اهمیت ایران در تعامل چین با منطقه غرب آسیا را افزایش می‌دهد (Garver, 2008). از طرف دیگر، با توجه به تیرگی روابط ایران و ایالات متحده، تهران زمینه را برای پیشبرد رقابت پکن با واشینگتن فراهم می‌کند. در نتیجه، همکاری‌های ایران و چین زمینه‌های مختلفی چون اقتصادی، سیاسی، نظامی، انرژی، تجاری و علمی را شامل می‌شود که در این پژوهش تمرکز بر رویکرد چین در قبال ایران، در دو حوزه کلان اقتصادی-تجاری و امنیتی-سیاسی می‌باشد.

در حوزه رویکرد اقتصادی چین در قبال ایران، روابط تجاری همواره از ارکان حفظ روابط دو کشور بوده است، به نحوی که واردات از چین درصد قابل توجهی از کل واردات ایران از جمله ماشین‌آلات و فولاد را شامل می‌شود. سرمایه‌گذاری چین در بخش‌های غیر انرژی، از جمله راه‌آهن سریع‌السير و خودرو نیز روند صعودی قابل توجهی داشته است (New Delhi Times, 2019). جدا از مشارکت در بخش ساخت و ساز ایران همچون کارخانه‌های سیمان، سیستم متروی تهران و بزرگراه‌ها، چین به دنبال آن است تا یک خط راه‌آهن از استان سین کیانگ در این کشور را از طریق افغانستان، قرقیزستان و تاجیکستان به ایران برساند (Tadjbakhsh, 2013). ایران تلاش کرده تا خود را به‌عنوان شریکی مهم در کلان پروژه کمربند-راه نشان دهد. نخستین همکاری‌های ایران و چین در طرح کریدورهای کمربند-راه، در خصوص اتصال ریلی دو کشور انجام گردیده است. در بخش زمینی خط ریلی سمرقند-مشهد از سال ۲۰۱۶ شروع به فعالیت نموده است. دومین پروژه‌ای که در این زمینه تعریف گردیده است، توسعه زیرساختی خط ریلی مشهد-تهران با مسافت ۹۲۶ کیلومتر می‌باشد که توسط شرکت ملی واردات و صادرات ماشین‌آلات چین انجام خواهد شد. پروژه سوم خط ریلی تهران-قم-اصفهان به مسافت ۴۱۵ کیلومتر است که به دلیل تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و فشار برای خروج شرکت‌های چینی از ایران این پروژه متوقف گردیده است (Omidi, 2024). در همین راستا، تحریم‌های گسترده علیه

جمهوری اسلامی ایران، بی‌ثباتی اقتصادی، زیرساخت‌های فرسوده و تنش‌های عمده با غرب از توان ایران در پیوستن به راه ابریشم نوین کاسته است. با خروج آمریکا از برجام و اعمال تحریم‌های مستقیم حمل و نقل، تبادلات بانکی و بیمه در کنار پایان معافیت خرید نفتی از ایران، این چالش‌ها چند برابر گردیده است. از سوی دیگر نبود دیدگاه مشترک نسبت به حضور چین در ایران و به دنبال آن نقش راه ابریشم نوین در میان سیاستمداران ایران از انسجام و شفافیت اراده تصمیم‌گیرندگان ایران در نگاه پکن کاسته است. در نتیجه، عدم اعتماد پکن به اراده و توان ایران در پیوستن به راه ابریشم نوین روند همکاری استراتژیک ایران در پیوستن به راه ابریشم را تضعیف نموده و به تأخیر انداخته است که این موضوع می‌تواند از احتمال گذر راه ابریشم نوین از قلمرو ایران بکاهد. از سوی دیگر، تقریباً تمام رقبای منطقه‌ای ایران به نوعی خود را آماده پیوستن به راه ابریشم نوین کرده‌اند. هر چند در دو سال اخیر تلاش شده تا نگرش پکن تعدیل شود و همکاری‌ها با شرق گسترش یابد.

در طول سال‌ها، حجم تجارت غیر انرژی از ۱۶۲۷ میلیارد دلار اولیه در دهه ۱۹۸۰ به ۴۵ میلیارد دلار تا سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. روند کلی تجارت از سال ۲۰۰۰ نشان‌دهنده افزایش قابل توجهی از حدود ۲۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۵۱۸۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ است (Malla, M. W, 2022).

نمودار ذیل حجم تجارت ایران و چین از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۲۱ را نشان می‌دهد که در آن سیر صعودی روابط تجاری تا سال ۲۰۱۴ مشخص می‌باشد. پس از آن، حجم تجارت دو کشور در سال‌هایی که ایران تحت تحریم‌های همه جانبه بوده کاهش نسبی داشته است. اما پس از توافقنامه‌های متعدد و تقویت روابط دو کشور در سال‌های اخیر، انتظار می‌رود روابط تجاری ایران و چین، مجدداً روند صعودی پیدا کرده و حتی از سالی مانند ۲۰۱۳ نیز فراتر برود.

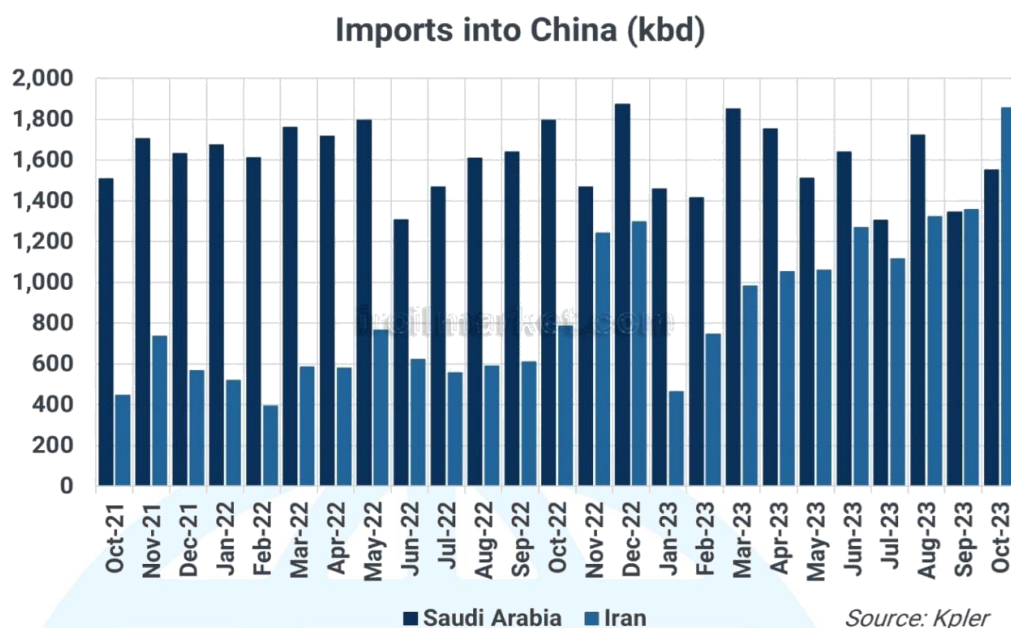
نمودار شماره ۱، حجم تجارت ایران و چین از ۱۹۹۲ تا ۲۰۲۱



(The Iran Primer, 2023)

از نظر همکاری انرژی، ایران دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی در جهان را داشته و چهارمین ذخایر بزرگ نفت خام را در اختیار دارد و بر اساس آمار، هشتمین تولیدکننده بزرگ نفت خام با ظرفیت حدود ۳.۶۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۲ بوده که با توجه به نیاز بالای چین به انرژی، باعث همکاری‌های دو کشور در این زمینه گردیده است (Energy Information Administration, 2022). در حالی که ایران با توجه به مشکلات اقتصادی خود همچون تحریم‌ها در تلاش است تا انرژی خود را بفروشد، نیاز به انرژی در چین نیز به سرعت در حال افزایش است و این مسئله منافع دو کشور را تأمین می‌کند. در یک نمونه، چین در سال ۲۰۱۳ به ارزش ۱۹ میلیارد دلار نفت خام و سایر محصولات پتروشیمی از ایران وارد کرده و در ازای آن ۱۷ میلیارد دلار کالا و خدمات صادر کرده است (Erdbrink, 2016). نمودار زیر مقایسه حجم واردات نفت چین از ایران و عربستان در فاصله زمانی اکتبر ۲۰۲۱ تا اکتبر ۲۰۲۳ را نشان می‌دهد که بر اساس گزارش کپلر، صادرات نفت خام ایران به چین به رکورد یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز نیز رسیده است.

نمودار شماره ۲، مقایسه واردات نفت چین از ایران و عربستان از اکتبر ۲۰۲۱ تا اکتبر ۲۰۲۳



(Falakshahi, 2023)

همکاری انرژی بین چین و ایران از سال ۱۹۷۴ آغاز شده است. سهم واردات نفت چین از ایران همواره با توجه به شرایط مختلف جهانی در نوسان بوده است. با این حال، واردات روزانه بین ۱۰۵ هزار تا ۱۸۶ هزار بشکه در روز تا آگوست ۲۰۱۹ کاهش یافت (Fulton, 2019) زیرا چین با فشار ایالات متحده برای کاهش تجارت با تهران مواجه شد. این امر در دسامبر ۲۰۱۸ مشهود بود، زمانی که چین سرمایه‌گذاری تعهد شده خود در میدان گازی پارس جنوبی را برای حفظ منافع تجاری خود با آمریکا به حالت تعلیق درآورد (Chen, A., 2018). از نظر صادرات ایران، نفت حدود چهار پنجم یا ۸۰ درصد کل صادرات چین از جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۰ را تشکیل داده است (Simpson, 2010). در جریان سفر وانگ‌یی به تهران در ماه مارس ۲۰۲۱، دو کشور یک توافقنامه بلند مدت ۲۵ ساله شامل توافقنامه‌های متعدد در تجارت، حمل و نقل، فناوری اطلاعات و گردشگری امضا کردند (Yazdani & Zeng, 2023). سرکنسولگری چین در جنوب ایران و در شهر بندرعباس نیز افتتاح شده که می‌تواند نقش ارزنده‌ای در توسعه روابط دو کشور و تعمیق همکاری‌های لجستیکی و تجاری بین چین و ایران داشته باشد (Ramezani, 2023: 9).

در جمع‌بندی و در خصوص رویکرد اقتصادی-تجاری چین در قبال ایران، باید اذعان داشت که به نظر می‌رسد در رویکرد اقتصادی-تجاری چین در غرب آسیا، تأمین انرژی و جذب سرمایه‌های خارجی از جمله در ایران، از جمله سیاست‌های اقتصادی پکن بوده است.

۲. رویکرد چین در قبال ایران در حوزه امنیتی-سیاسی

در حوزه رویکرد امنیتی و سیاسی چین در قبال ایران، تجارت تسلیحات و انتقال فناوری نظامی از چین به ایران یکی دیگر از جنبه‌های همکاری بین دو کشور بوده است؛ البته این موضوع در کنار ماهیت امنیتی، ماهیت تجاری نیز داشته است. از آنجایی که ایران پس از انقلاب اسلامی با تحریم تسلیحاتی غرب مواجه شد، در طول جنگ ایران و عراق، دستیابی به اجزای حیاتی برای سخت‌افزار نظامی تحت سلطه آمریکا بسیار دشوار بود. چین که رسماً بی‌طرف بود، از اوضاع استفاده کرد و تجهیزات نظامی قابل توجهی را از طریق طرف‌های ثالث مانند کره شمالی و سوریه به ایران عرضه کرد. همکاری‌ای که از آن زمان تا کنون علی‌رغم ملاحظات شدید ایالات متحده آمریکا ادامه یافته است (Garver, 2008). چین نه تنها به اکتشاف منابع اورانیوم توسط سازمان انرژی اتمی ایران کمک کرد، بلکه حدود ۱.۶ تن اورانیوم را نیز تهیه کرد که تنها در سال ۲۰۰۳، زمانی که موضوع هسته‌ای ایران مطرح شد، فاش شد. حمایت چین از ایران برای اولین بار توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۹۹۱ شناسایی شد. تنها فشار قدرت‌های غربی به‌ویژه ایالات متحده بود که در نهایت پکن را مجبور کرد تا از همکاری هسته‌ای خود با تهران در سال ۱۹۹۷ عقب‌نشینی کند. با این حال، چین به تعهدات خود تحت معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی استناد کرد. پس از اینکه موضوع هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۳ مطرح شد، پکن بر حل این موضوع از طریق گفتگو و بر خلاف رویکرد سخت‌واشینگتن پافشاری کرد که در نهایت منجر به تنش‌زدایی، هر چند کوتاه مدت، در سال ۲۰۱۵ پس از امضای توافقنامه نظارت چند جانبه شورای امنیت سازمان ملل شد (Mafinezam & Mehrabi, 2008).

چین در سال ۲۰۱۵ و پس توافق برجام نیز از تلاش‌های خود برای جلب نظر ایران صرف نظر نکرد و با ارائه گسترده کمک‌های اقتصادی و پرداخت‌های تضمین شده به ازای نفت، به روابط خود با ایران ادامه داد (Holmquist & Englund, 2020: 9). فضای پسا برجام نیز باعث شکل‌گیری نظامی جدید در روابط سیاسی ایران و چین گردیده و مجموعه‌ای از توافقات و فرصت‌ها، مشارکت راهبردی دو کشور را بیش از پیش استحکام بخشیده است (رضایی و وثوقی، ۱۳۹۶: ۲۵).

روابط تهران و پکن در سال‌های اخیر به سطح مشارکت راهبردی همه جانبه از جمله روابط در تمامی زمینه‌های سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، آموزشی و علمی ارتقا یافته است. از دیدگاه تهران، سیاست نگاه به شرق، همکاری با آسیا، روابط با چین در طرح کمربند-راه و تأسیس

دفاتر تجاری ایران موجب افزایش تعاملات تجاری و اقتصادی ایران و چین می‌شود. از این منظر، با عضویت کامل و اخیر ایران در سازمان همکاری شانگهای، ایران می‌تواند از وزن چین در خنثی کردن تحریم‌ها و مقابله با یک جانبه‌گرایی آمریکا، دلارزدایی در تجارت، بازگشایی منابع مالی و سرمایه‌گذاری استفاده کند (Ramezani, 2023: 9).

رویکرد چین در خاورمیانه و غرب آسیا، ملهم از برنامه‌های سیاسی و اقتصادی این کشور در مقابله با یک جانبه‌گرایی ایالات متحده می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، کسب بازارهای تجاری و انرژی بین‌المللی از جمله در غرب آسیا حائز اهمیت بالایی می‌باشد. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، مقابله با تهدیدات تروریستی در غرب آسیا و حمایت از محور مقاومت از جمله در سوریه همگی بخشی از همسویی سیاست خارجی چین با جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه بوده است (عظیمی‌فر و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴۷).

در این بخش و تا اینجا، روابط ایران و چین در حوزه نظامی-سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. در جمع‌بندی و در خصوص رویکرد نظامی-سیاسی چین در قبال ایران باید اذعان داشت که عواملی همچون تداوم بی‌اعتمادی ایران به غرب، نیازهای اقتصادی متقابل ایران و چین، وفاداری چین به ایران در شرایط تحریم‌ها، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران برای چین و همچنین مخالفت با نظم موجود بین‌المللی و یک جانبه‌گرایی آمریکا، همگی باعث گردیده تا ایران و چین، خصوصا در سال‌های اخیر، ضمن حفظ سطح روابط و مناسبات سیاسی خود، به دنبال افزایش همکاری‌های دو جانبه در زمینه‌های گوناگون باشند.

رویکرد چین در قبال عربستان

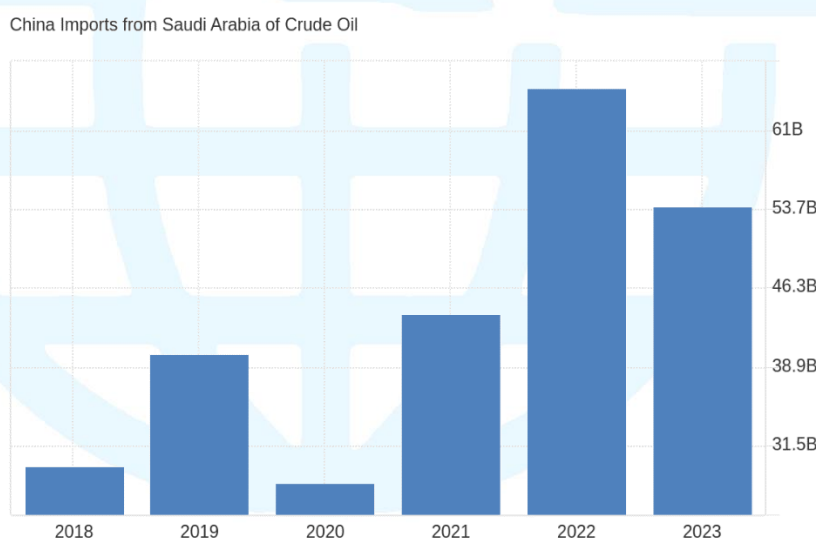
۱. رویکرد چین در قبال عربستان در حوزه اقتصادی-تجاری

روابط چین و عربستان در مقایسه با روابط چین و ایران جدیدتر و مربوط به دوران معاصر است. عربستان سعودی در ۱۹۹۰ جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخته و روابط رسمی دو کشور از آن زمان شکل گرفته است. در نتیجه، همکاری‌های چین و عربستان در زمینه‌های مختلفی همچون اقتصادی، سیاسی، نظامی، انرژی، تجاری و علمی به تدریج و طی سال‌ها گسترش یافته که در این پژوهش تمرکز بر رویکرد چین در قبال این کشور، در دو حوزه کلان اقتصادی-تجاری و امنیتی-سیاسی می‌باشد.

در حوزه رویکرد اقتصادی چین در قبال عربستان، همکاری در زمینه انرژی بخش جدایی ناپذیر روابط دو کشور بوده است. عربستان سعودی با داشتن ذخایر بزرگ نفت خام جهان و ظرفیت تولید بزرگ خود، بازیگر نفتی مهمی است که عرضه با ثباتی را ارائه می دهد. از آنجایی که تقاضای غربی ها و آمریکا در طول سال ها به دلیل خودکفایی انرژی ایالات متحده کاهش یافته، ریاض برای کشف بازارهای دیگر نفت خود، به ویژه در اقتصادهای با رشد سریع مانند چین، تحت فشار قرار گرفته است. از سال ۲۰۰۲، ریاض بزرگترین تأمین کننده چین بوده و ۲۰ درصد از نیازهای نفت خام خود را برآورده می کند. تا سال ۲۰۱۳، این پادشاهی ۱.۳ میلیون بشکه در روز به پکن می رساند که نسبت به رقم ناچیز ۸۶ هزار بشکه در روز در اواخر سال ۱۹۹۸ افزایش چشمگیری داشت (Scobell & Nader, 2016).

بر اساس نمودار زیر که پایگاه داده سازمان ملل متحد در مورد تجارت بین الملل منتشر نموده است، ارزش واردات نفت خام چین از عربستان سعودی در سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۶۴.۹۷ میلیارد دلار می باشد که افزایش قابل توجهی در مقایسه با سال های قبل داشته است.

نمودار شماره ۳، واردات نفت خام چین از عربستان از ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳



Source: tradingeconomics.com | Comtrade

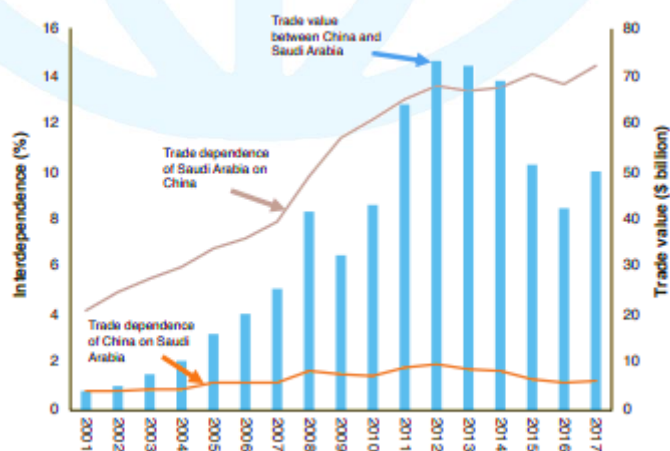
(Tradingeconomics, 2023)

پیش بینی می شود تا سال ۲۰۳۰، زمانی که واردات نفت چین به ۷۵ درصد مصرف برسد، حدود ۱۶ میلیون بشکه در روز از عربستان سعودی تأمین شود. دو کشور متعهد شده اند سرمایه گذاری های عمده - ای در اقتصاد یکدیگر انجام دهند (Foley, 2023).

چین و عربستان در جهت تنوع بخشیدن به همکاری‌های اقتصادی خود، برای پالایش، گاز طبیعی و انرژی هسته‌ای، جدا از تجارت و سرمایه‌گذاری عمومی، تلاش کرده‌اند. تا سال ۲۰۱۳، چین به دومین مقصد رایج برای صادرات عربستان سعودی، از جمله محصولات غیر نفتی مانند مواد شیمیایی برای تولید پلاستیک تبدیل شد. از سال ۲۰۱۸، این پادشاهی نهمین منبع بزرگ کالاها و خدمات وارداتی پکن است، در حالی که چین بزرگ‌ترین منبع خدمات و کالاهایی مانند اقلام الکترونیکی، مواد غذایی و منسوجات و غیره برای عربستان می‌باشد. تجارت دو جانبه طی سال‌ها رشد قابل توجهی داشته و از ۱.۷۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۷۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ رسیده است. با این حال، کندی اقتصاد جهانی باعث یک روند نزولی شده و آن را به ۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسانده است (Lian, 2018)؛ روندی که پس از آن صعودی بوده است.

همکاری تجاری چین و عربستان به سرعت رو به گسترش می‌باشد. در حوزه نفت، همکاری دو کشور از صادرات نفتی به بخش‌هایی همچون پالایش رسیده است. این همکاری در حوزه‌های انرژی، مانند گاز طبیعی و حتی انرژی هسته‌ای نیز رسیده و تجارت دو جانبه چین و عربستان را به شدت بالا برده است. نمودار ذیل بیانگر حجم تجارت دو کشور از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ می‌باشد. بر اساس این نمودار، وابستگی تجاری پادشاهی سعودی به چین از ۴.۲ درصد در سال ۲۰۰۱ به ۱۴.۴ درصد در سال ۲۰۱۷ افزایش پیدا کرده و برعکس، وابستگی تجاری چین به عربستان، در یک سطح نسبی پایینی باقی مانده و تغییر کمی را طی این سال‌ها داشته است (Chen & Han, 2019).

نمودار شماره ۴، وابستگی متقابل تجاری بین چین و عربستان سعودی از ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷



(Chen & Han, 2019)

چین همچنان بر مشارکت عربستان سعودی در معماری اقتصادی ابتکار کمربند-راه اصرار داشته و پادشاهی سعودی را یک حلقه مهم در این ابتکار می‌داند. پکن تلاش کرد در سال ۲۰۱۶ با امضای تفاهم‌نامه، علاقه عربستان را برای پیوستن به این پروژه جلب کند و در نهایت موفق به جلب نظر عربستان گردید و قرار شد دو کشور منافع خود در چشم‌انداز ۲۰۳۰ و ابتکار کمربند-راه را به هم نزدیک کنند (Viola, Zhou, 2017).

در سفری که محمد بن سلمان در فوریه ۲۰۱۹ به پکن داشت، ۳۵ قرارداد سرمایه‌گذاری و تجاری به ارزش ۲۸ میلیارد دلار بین چین و عربستان سعودی امضا گردید. همچنین در این سفر، بر هم‌راستایی پروژه بلندپروازانه عربستان موسوم به چشم‌انداز ۲۰۳۰ با پروژه‌های ابتکار کمربند-راه چین تأکید شد. در زمینه انرژی نیز قراردادی بین آرامکوی عربستان و نورینکوی چین در خصوص سرمایه‌گذاری مشترک برای ساخت یک پالایشگاه ۱۰ میلیارد دلاری و همچنین پروژه پتروشیمی در لیائونینگ و ایجاد یک تجارت خرده‌فروشی سوخت بین چین و عربستان منعقد گشت (Gengiz, 2020). سعودی‌ها همچنین در اواسط سال ۲۰۱۸ اعلام نمودند که قصد دارند تا به کریدور اقتصادی چین-پاکستان پیوندند و با سرمایه‌گذاری کلان در بندر گوادر و بخش‌های زیرساختی انرژی پاکستان، زمینه را برای تقویت مبادلات و روابط تجاری ریاض-اسلام‌آباد فراهم سازند (رئیس‌نژاد، ۱۳۹۹).

۲. رویکرد چین در قبال عربستان در حوزه امنیتی-سیاسی

فراتر از انرژی و اقتصاد و در حوزه رویکرد امنیتی و سیاسی چین در قبال عربستان، طرفین همکاری خود را در بخش‌هایی از جمله انتقال فناوری و معاملات مخفیانه تسلیحات گسترش داده‌اند. آنجایی اهمیت چین افزایش می‌یابد که عربستان سعودی که فاقد تخصص فنی است، برای ایجاد تحولی دیجیتالی، از جمله آژانس‌های نظارتی مانند مرجع داده‌ها و هوش مصنوعی، مرکز ملی هوش مصنوعی و اداره ملی با مدیریت داده رقابت می‌کند. در این زمینه، در فوریه ۲۰۱۹، گول فناوری چینی هواوی اعلام کرد که این شرکت زیرساخت فناوری 5G را در راستای کمک به پادشاهی سعودی برای تغییر چهره اقتصادی خود ایجاد خواهد کرد (Chu, 2019). علاوه بر این، طی سال‌های اخیر، عربستان سعودی در تلاش برای تقویت و تنوع بخشیدن به سخت‌افزار نظامی خود، در معاملات مخفیانه با چین شرکت کرده است. همان‌طور که بالاتر نیز ذکر شد، روابط عربستان و چین از معاملات مخفیانه تسلیحاتی در اواسط دهه ۱۹۸۰ آشکار شد. زمانی که آمریکا دسترسی ریاض به موشک‌های بالستیک را رد کرد، پادشاهی سعودی توجه خود را به چین معطوف کرد. عربستان موشک اکنون منسوخ شده

نوع CSS-2 بالستیک میانبرد را در سال ۱۹۸۵ بدون هیچ پیش شرطی از چین دریافت کرد (Harish, 2006) و به دنبال آن موشک‌های بالستیک DF-3 به ارزش تقریبی ۳ تا ۳.۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۸ به عربستان داده شد. با علنی شدن این ترتیبات مخفی، جنجال‌هایی شکل گرفت و پس از آن، فقط معاملات غیر نظامی میان دو کشور دنبال شد. با این حال، در سال ۲۰۱۴، مجله نیوزویک گزارش داد که نیروی هوایی عربستان موشک‌های بالستیک DF-21 را از چین به منظور ارتقا و تکمیل سیستم‌های بازدارندگی متعارف خود خریداری کرده است (Jeff, 2014). در سال ۲۰۱۹ و در حالی که عربستان سعودی با انتقادات شدید غربی‌ها مواجه شده بود، چین از معاملات تسلیحاتی خود با عربستان سعودی دفاع کرد. سخنگوی چین استدلال کرد که با شریک‌های استراتژیک همه جانبه خود، همکاری دوستانه را در همه زمینه‌ها از جمله در زمینه فروش تسلیحات حفظ خواهد کرد و چنین همکاری‌هایی ناقض قوانین بین‌المللی نبوده و شامل گسترش سلاح‌های کشتار جمعی نیز نمی‌شود (Phil et al, 2019).

در راستای رویکرد سیاسی چین در قبال عربستان، باید اذعان نمود این مسئله که گسترش اقتصاد چین در چند دهه اخیر آن را به واردکننده فرآورده‌های نفتی و نفت خام تبدیل کرده و اهمیت خاورمیانه غنی از منابع را به طور کلی و عربستان سعودی را به طور ویژه برای چین افزایش داده است، بر همکاری‌های بیشتر سیاسی دو کشور مؤثر بوده است (Leung et al, 2011). عوامل دیگری نیز طی سال‌ها به تحکیم روابط سیاسی دو کشور کمک کرده‌اند. عامل اول، تلاش آمریکا برای رهایی از درگیری‌های منطقه‌ای با به حداقل رساندن درگیری‌های نظامی خود و دستیابی به خودکفایی انرژی است؛ این امر منجر به جستجوی عربستان سعودی برای شرکای تجاری نفتی بالقوه گردیده که نیاز بالای چین به انرژی، این کشور را از این حیث پیش‌تاز می‌کند. دوم، محدودیت‌های نفوذ ایالات متحده در منطقه غرب آسیا در درگیری‌های سوریه مورد آزمایش قرار گرفت. ایالات متحده همراه با متحدانش از جمله عربستان سعودی، نتوانست راه‌حلی را اجرا کند، این نشان‌دهنده نیاز سعودی‌ها به تنوع بخشیدن به مشارکت‌های خود در منطقه و فراتر از آن است. این امر دوباره وجهه چین را تقویت می‌کند، زیرا هیچ پیش شرط سیاسی یا حقوق بشری را بر شرکای خود تحمیل نمی‌کند. برای مثال، در حالی که محمد بن سلمان پس از قتل جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار مقیم آمریکا در اکتبر ۲۰۱۸، با انتقاد شدید بین‌المللی و واکنش غرب مواجه شد، چین و هند از سفر وی در فوریه ۲۰۱۹ استقبال کردند (Michelle, Nichols, 2019).

بحث و نتیجه

رویکرد چین در قبال منطقه غرب آسیا با منافع این کشور ارتباط مستقیم دارد. برای مثال در موضوع میانجی‌گری و تنش‌زدایی چین بین ایران و عربستان سعودی، انگیزه چین ریشه در وابستگی این کشور به نفت و گاز ایران و عربستان دارد. انگیزه دیگر چین از این میانجی‌گری، پیش بردن ابتکار کمربند-راه است. بر اساس نظریه بین‌حکومت‌گرایی لیبرال، چین با نگاهی واقع‌بینانه به دنبال برقراری روابط با کشورهای مختلف از جمله ایران و عربستان، در راستای ترجیحات خود است. همچنین، موفقیت چین در سوق دادن دو قدرت منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان سعودی به سوی توافق، رویدادی ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک محسوب می‌شود که نویددهنده شکل‌گیری توازن قوای نوظهور در سطح جهانی است.

جدول زیر خلاصه‌ای تطبیقی از روابط چین در دو حوزه اقتصادی-تجاری و امنیتی-سیاسی در قبال ایران و عربستان است. این مقایسه نشان می‌دهد که ایران و عربستان در سیاست خارجی و رویکرد چین نسبت به غرب آسیا و این دو بازیگر مهم، اهمیتی راهبردی دارند. در نتیجه چین در راستای تضمین حداکثری منافع اقتصادی و سیاسی خود در منطقه، به دنبال تنش‌زدایی و ایجاد تعادل در روابط ایران و عربستان می‌باشد. لذا همان گونه که از جدول زیر نیز مشخص است، حفظ و گسترش روابط با هر دو کشور ایران و عربستان، در دستور کار سیاست خارجی چین قرار دارد.

عربستان	ایران	
• همکاری در زمینه انرژی و صادرات نفت خام و سایر محصولات پتروشیمی به چین • تبدیل شدن به دومین مقصد رایج برای صادرات عربستان سعودی از جمله محصولات غیر نفتی مانند مواد شیمیایی برای تولید پلاستیک • بزرگ‌ترین منبع خدمات و کالاهایی مانند اقلام الکترونیکی، مواد غذایی و منسوجات و غیره برای عربستان • امضای ۳۵ قرارداد سرمایه‌گذاری و تجاری به ارزش ۲۸ میلیارد دلار بین چین و عربستان سعودی • امضای قراردادی بین آرامکوی عربستان و نورینکوی چین در خصوص سرمایه‌گذاری مشترک • تأکید بر هم‌راستایی پروژه چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان با پروژه‌های ابتکار کمربند-راه چین	• سرمایه‌گذاری چین در بخش‌های غیر انرژی از جمله راه‌آهن سریع‌السیر و خودرو • مشارکت در بخش ساخت و ساز ایران همچون سیستم متروی تهران و بزرگراه‌ها • همکاری‌های ایران و چین در طرح کریدورهای کمربند-راه، در خصوص اتصال ریلی دو کشور • واردات چین از ایران در زمینه انرژی مانند نفت خام و سایر محصولات پتروشیمی • ارائه گسترده کمک‌های اقتصادی چین به ایران و پرداخت‌های تضمین شده پکن در ازای نفت ایران • توافقنامه بلند مدت ۲۵ ساله شامل تجارت، حمل و نقل، فناوری اطلاعات و گردشگری	اقتصادی-تجاری
• انتقال فناوری و معاملات مخفیانه تسلیحات • همکاری در زمینه موشکی • همکاری در زمینه فناوری و هوش مصنوعی	• تجارت تسلیحات و انتقال فناوری نظامی • همکاری و تلاش برای تنش-زدایی در موضوع هسته‌ای ایران • همسویی سیاست خارجی چین با ایران در موضوعاتی همچون مقابله با تهدیدات تروریستی در غرب آسیا و حمایت از محور مقاومت	امنیتی-سیاسی

اگرچه رقابت ژئوپلیتیکی منطقه‌ای بین ایران و عربستان در برهه‌ای کار را برای چین پیچیده می‌کرد، اما این کشور موفق گردیده در رویکرد خود نسبت به تحولات منطقه، به‌ویژه رقابت ایران و عربستان، تنش‌زدایی و تعادل را در پیش گیرد و توازن را حفظ کند. چین یک متحد مهم برای هر دو رقیب باقی

می‌ماند. این کشور به‌عنوان یک وزنه موثر برای ایران در برابر ایالات متحده عمل کرده و خود را به‌عنوان گزینه‌ای مناسب برای ریاض در راستای کاهش اتکای بیش از حد به واشینگتن مطرح نموده است. چین عربستان سعودی را بازیگری مهم در چشم‌انداز خود برای خلیج فارس می‌بیند و ایران را گره‌ای حیاتی در ابتکار بلندپروازانه کمربند-راه می‌داند.

از آنجایی که ایالات متحده از نقش نظامی خود در منطقه کاسته و خرید انرژی خود را کاهش می‌دهد، نقش امنیتی بازیگرانی مانند چین در منطقه اجتناب‌ناپذیر می‌شود. با وجود این، پکن در تلاش برای حفظ تعادل در این زمینه بوده است. طی سال‌ها، خاورمیانه شاهد رقابت‌هایی آشکار و پنهان بوده که قدرت‌های خارجی از جمله چین را مجبور می‌کند تا از این شرایط پیچیده عبور کنند. چین در قبال این درگیری‌ها، رویکردی غیر مداخله‌گرایانه اما از نظر سیاسی دوسوگرایانه را اتخاذ کرده است. چین توانسته است رقابت بین ایران و عربستان را به نفع خود دور بزند و از منافع خود اطمینان حاصل کند. اگر پکن روابط خود را با ایران به سطح استراتژیک ارتقا داده، همین کار را با ریاض نیز انجام داده است. این امر تا حدی به دلیل درگیری نظامی تقریباً صفر پکن در منطقه و همچنین امتناع این کشور از جانبداری در درگیری‌های منطقه‌ای ممکن شده است.

همچنین رویکرد عمومی چین در قبال غرب آسیا و دو رقیب اصلی، ایران و عربستان، بیش از هر چیز ماهیت اقتصادی داشته تا چین بتواند رشد اقتصادی خود را حفظ کند. در حالی که عربستان سعودی بزرگ‌ترین شریک تجاری پکن در منطقه است، ایران با توجه به موقعیت خود، هم از اهمیت اقتصادی و هم از اهمیت استراتژیک برخوردار است. به نظر می‌رسد هر چه وابستگی متقابل اقتصادی میان چین و ایران و عربستان بیشتر باشد، پکن به سرمایه‌گذاری سیاسی بیشتری نیاز خواهد داشت و هر چه مشارکت سیاسی بیشتر باشد، موقعیت‌های سیاسی آن بیشتر می‌تواند منافع مورد نظر چین را تضمین کند. همچنین وضعیت پکن با تلاش‌های آمریکا برای به حداقل رساندن دخالت سیاسی-نظامی در منطقه ترکیب می‌شود که به قدرت بزرگی مانند چین اجازه داده تا بدون سرمایه‌گذاری سیاسی و تحمیل تغییر، منافع اقتصادی خود را دنبال کند.

در عصر جدید، مشارکت چین در رقابت و همکاری بین ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر مهم منطقه، نه تنها بخش مهمی از مشارکت چین در حکمرانی جهانی است، بلکه واقعیتی است که چین باید در طرح کمربند-راه با آن روبه‌رو شود. در واقع، ساخت کمربند-راه نیز خود یک رویه مهم از مشارکت چین در حکمرانی جهانی است. به طور خلاصه، انگیزه پکن برای مشارکت در حکمرانی

منطقه غرب آسیا، بیش از هر چیز ناشی از رشد انرژی، سرمایه‌گذاری و منافع تجاری آن است. دوم، چین به منظور جلوگیری از تسلط قدرت‌های غربی بر منطقه، از چالش‌های امنیتی و درگیری‌های بین قدرت‌های منطقه جلوگیری می‌کند. سوم هم آنکه مشارکت چین در حل و فصل مناقشات خاورمیانه به این دلیل است که این کشور قصد دارد تصویری از عدالت و صلح در جهان به نمایش بگذارد تا قدرت نرم چین را تقویت کند. در مشارکت چین در رقابت و همکاری بین ایران و عربستان به‌عنوان دو بازیگر مهم منطقه، عوامل فوق‌الغلب در هم تنیده شده و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. اما همان‌گونه که پیش‌تر نیز بیان شد، چین موفق گردیده در رویکرد خود نسبت به تحولات منطقه، به‌ویژه رقابت ایران و عربستان، تنش‌زدایی و تعادل را در پیش گیرد و توازن را برقرار سازد.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- جعفری ولدانی، اصغر و لیلا رحمتی‌پور (۱۳۹۳)، «فرهنگ استراتژیک و الگوی رفتاری چین در مدیریت بحران‌های بین‌المللی (مطالعه موردی بحران سوریه)»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۲(۶)، ۱۶۳-۱۹۳.
- ۲- جمشیدی، محمد و زکیه یزدان‌شناس (۱۴۰۱)، «دیپلماسی اقتصادی و راهبرد چین در تنظیم روابط با ایران و عربستان سعودی»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۱۲(۴۴)، ۱۱۲-۱۲۶.
- ۳- حیدری، مریم (۱۴۰۲)، «سیاست خارجی چین در منطقه خاورمیانه، تمرکز بر دو کشور ایران و عربستان»، اولین همایش بین‌المللی علوم سیاسی، حقوق و حوزه‌های دینی و مذهبی با رویکرد نگاهی به آینده.
- ۴- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و مهدی فرازی (۱۳۹۰)، «موانع و فرصت‌های گسترش نقش چین در خاورمیانه»، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۴.
- ۵- رضایی، مسعود و سعید وثوقی (۱۳۹۶)، «سنجش روابط دفاعی ایران و چین در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۷(۲۴)، ۲۳-۴۷.
- ۶- رئیسی‌نژاد، آرش (۱۳۹۹)، «نقشه چین برای جهان آینده»، دنیای اقتصاد، شماره ۵۱۰۹.
- ۷- عظیمی‌فر، حسام‌الدین؛ محمدرضا اقارب پرست و سید مصطفی مدنی (۱۴۰۰)، «تأثیر سیاست خارجی چین بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس»، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۵(۵۷)، ۲۴۷-۲۶۲.

منابع غیر فارسی

- 1- Alidad, Mafinezam, & Aria, Mehrabi. (2008). Iran and Its Place among Nations. Westport, CT: Praeger, pages.
- 2- Andrew, Scobell & Alireza, Nader. (2016). China in the Middle East: The Wary Dragon. Washington: Rand Corporation, 25-26.
- 3- Brands, H. W. (1998). The World in a Word: The Rise and Fall of Détente. Rhetoric and Public Affairs, 1(1), 45-60.

- 4- Cengiz, S. (2020). Saudi foreign policy towards China in the Post-Arab uprisings era: a neo-classical realist approach. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 14(1), 51-67.
- 5- Chen, Aizhu. (2018). CNPC suspends investment in Iran's South Pars after US pressure: sources. Reuters, <https://reuters.com/article/amp/idUSKBN1OB0RU>
- 6- Chen, D., & Han, W. (2019). Deepening Cooperation Between Saudi Arabia and China. *King Abdullah Petroleum Studies and Research Center*, 24.
- 7- Chu, Daye. (2019). Huawei to Help Saudi Arabia Become World's Top 5G Country. *Global Times*, <https://www.globaltimes.cn/content/1139737.shtml>
- 8- Drezner, D. W. (2007). The New World Order. *Foreign Affairs*, 86(2), 34-46. <http://www.jstor.org/stable/20032282>
- 9- Energy Information Administration. (2022). What Countries Are the Top Producers and Consumers of Oil. <https://www.eia.gov/tools/faqs/faq.php?id=709&t=6>
- 10- Erdbrink, T. (2016). China Deepens Its Footprint in Iran After Lifting of Sanctions. *The New York Times*, 24.
- 11- Falakshahi. (2023). Iran has overtaken Saudi Arabia as China's top seaborne oil supplier in October, https://www.linkedin.com/posts/homayoun-falakshahi-10b60157_iran-saudi-arabia-china-activity-7123676743835484162-KHfm
- 12- Farzad, Ramezani. (2023). China's Multilateral Trade with Iran, Situation and 2023/24 Prospects. *Silk Road Briefing*, <https://www.silkroadbriefing.com/news/2023/07/10/chinas-multilateral-trade-with-iran-situation-and-2023-24-prospects/>
- 13- Foley, S. (2023). Saudi Arabia's Relations with China. In *Routledge Companion to China and the Middle East and North Africa* (pp. 333-359). Routledge.
- 14- George, L. Simpson, Jr. (2010). Russian and Chinese Support for Tehran Iranian Reform and Stagnation. *Middle East Quarterly* 17 no. 2, 63-72.
- 15- Guy, Leung, Raymond, Li & Melissa, Low. (2011). Transitions in Chinas Oil Economy, 1990-2010. *Eurasian Geography and Economics* 52 no. 4, 483-500.
- 16- Harish, V. Pant. (2006). Saudi Arabia Woos China and India. *Middle East Forum*, <https://dev.meforum.org/1019/saudi-arabia-woos-China-and-india>
- 17- Holmquist, E., & Englund, J. (2020). China and Iran—An Unequal Friendship. *Swedish Defense Research Agency*.
- 18- Iian, Macgillivray. (2018). Maturing Sino-Saudi Strategic Relations and Changing Dynamics in the Gulf. *Global Change, Peace & Security* 31, no.1, 61-80.
- 19- Jeff, Stein. (2014). Exclusive: CIA Helped Saudis in Secret Chinese Missile Deal. *Newsweek*, <https://www.newsweek.com/exclusive-cia-helped-saudis-chinese-missile-deal-227283>
- 20- Jonathan, Fulton. (2019). After Aramco Attacks, China's Middle East Interests Are at Stake. *Atlantic Council*, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/after-aramco-attacks-chinas-middle-east-interests-are-at-stake/>
- 21- John, W. Garver. (2008). *China and Iran: Ancient Partners in a Post-Imperial World*. Seattle: University of Washington Press, 28.
- 22- Lampton, D. M. (2014). China's foreign policy. *Great Decisions*, 73-84. <http://www.jstor.org/stable/43681117>
- 23- Liu, Zhen. (2016). China, Saudi Arabia Upgrade Diplomatic Ties as Riyadh Seeks New Allies. *South China Morning Post*, <https://gbtimes.com/China-and-saudi-arabia-upgrade-ties>
- 24- Malla, M. W. (2022). China's Approach to the Iran-Saudi Arabia Rivalry. *Middle East Policy*, 29(1), 25-40.
- 25- Michelle, Nichols. (2019). Saudi Arabia Defends Letter Backing China's Xinjiang Policy. Reuters, <https://www.reuters.com/article/amp/idUSKCN1UD36J>

- 26- Moravcsik, A. (1993). Preferences and power in the European Community: A liberal intergovernmentalist approach. *JCMS: Journal of Common Market Studies*, 31(4), 473-524.
- 27- Moravcsik, A., & Schimmelfennig, F. (2009). Liberal intergovernmentalism. In *a European integration theory*, (pp. 67-90). UK: Oxford University Press.
- 28- New Delhi Times. (2019). China-Iran Deal: Strategic Implications. <https://www.newdelhitimes.com/China-iran-deal-strategic-implications>
- 29- Omid, A. (2024). Iran's Geopolitical Capacities in the Connection and Synergy of the INSTC and BRI Corridors. In *India's Economic Corridor Initiatives* (pp. 66-83). Routledge.
- 30- Pettigrew, W. A. (2019). Political Economy. In W. A. Pettigrew & D. Veevers (Eds.), *The Corporation as a Protagonist in Global History*, c. 15501750 (Vol. 16, pp. 43-67). Brill.
- 31- Phil, Mattingly, Zachary, Cohen & Jeremy, Herb. (2019). US Intel Shows Saudi Arabia Has Advanced Its Ballistic Missile Program. CNN, <https://edition.cnn.com/2019/06/05/politics/us-intelligence-saudi-arabia-ballistic-missileChina/index.html>
- 32- Shahrbanou, Tadjbakhsh. (2013). The Persian Gulf and Afghanistan: Iran and Saudi Arabia's Rivalry Projected. *PRIO*, 36.
- 33- Sonnenfeldt, H. (1975). THE MEANING OF "DETENTE." *Naval War College Review*, 28(1), 3-8.
- 34- Sun, D. (2017). China and the Middle East security governance in the new era. *Contemporary Arab Affairs*, 10(3), 354-371.
- 35- Teti, A., Xypolia, I., Sarnelli, V., Tsourapas, G., Lomazzi, V., & Abbott, P. (2017). Political Economy. In *Political and Social Transformations in Egypt* (pp. 85-92). Arab Transformations Project.
- 36- The Iran Primer. (2023). Iran Deepens Ties with China. <https://iranprimer.usip.org/blog/2023/feb/15/president-raisi-visits-china>
- 37- T. Knecht, & M. S. Weatherford. (2006). Public Opinion and Foreign Policy: The Stages of Presidential Decision Making. *International Studies Quarterly*, 50(3), 705-727.
- 38- Tradingeconomics. (2023). China Imports from Saudi Arabia of Crude Oil, <https://tradingeconomics.com/china/imports/saudi-arabia/crude-oil-petroleum-bituminous-minerals>
- 39- Viola, Zhou. (2017). China Vows to Boost Ties with Saudi Arabia amid Growing Turmoil in Middle East. *South China Morning Post*, <https://gztimes.com/China-vows-to-deepen-support-for-saudi-arabia>
- 40- Wang, X. Y., & Chen, B. (2023). World Power Trends and International Relations: Measuring Power with an Entropy-QAP Approach. *Journal of Chinese Political Science*, 1-25.
- 41- White, B. (1981). The Concept of Detente. *Review of International Studies*, 7(3), 165-171. <http://www.jstor.org/stable/20096917>
- 42- Wu, B. (2021). China and New Middle East. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 23(3), 443-457.
- 43- Yazdani, E., & Zeng, J. (2023). A New Phase in Sino-Iranian Relations: 25-year Comprehensive Strategic Partnership. *International Journal of Law and Politics Studies*, 5(5), 26-42.